

# دکتر محمدعلی مولوی؛ پدر علم ژنتیک انسانی در ایران

ما در هر شماره به بازگویی زندگینامه یکی از ساتید پیشکسوت در زمینه آزمایشگاهی می پردازیم. این بخش از این شماره را به پروفیسور مولوی پدر علم ژنتیک انسانی در ایران اختصاص دادیم. پروفیسور محمدعلی مولوی، چهره ماندگار سال ۸۸ کشور و نخستین کسی که ایران را با علم ژنتیک آشنا کرد، در ۱۶ خرداد ۹۵ در سن ۹۵ سالگی در بیمارستان امام رضا (ع) به دیار باقی شتافت. گفتنی است این زندگی نامه از زبان وی است که در ادامه می خوانیم.

## دوران کودکی و تحصیلات

جد بزرگم فرد معروف و فقیهی بود که بعد از انقلاب روسیه از ایروان به ایران مهاجرت کرد و در تبریز ساکن شد و چون ارادتی به مولوی رومی داشت، به نام مولوی معروف شد. وی مقبره ی بزرگی در تبریز دارد که شامل مقبره، مسجد، مدرسه است. من در سال ۱۳۰۰ شمسی در تبریز متولد شدم. چهار سال ابتدایی را در تبریز و بقیه ی دوران دبستانی و دبیرستانی و دانشکده ی پزشکی را در تهران سپری کردم. بعد از گذراندن دوره عمومی برای مدت چهار سال عازم پاریس شدم و به عنوان آسیستان خارجی این مدت را در بیمارستان کودکان پاریس در بخش پرفیسور لامی استاد کودکان و ژنتیک طی کردم.

## تدریس در دانشگاه

سال ۱۳۳۲ به تهران مراجعت کردم پس از گذراندن امتحانی، وارد کادر هیئت علمی دانشگاه تهران - بخش دکتر منوچهر اقبال - شدم و از همان زمان دروس ژنتیک پزشکی را در دانشگاه بعد از ظهر ها در سال پنجم و

دروس پزشکی داخلی و عفونی کودکان را در بیمارستان هزار تختخوابی آغاز کردم. سه سال بعد، صبح ها، یک بخش عفونی کودکان به حقیر تفویض شد که بیماران ژنتیکی و مشاوره و احیانا بستری کردن بیماران مربوطه در این بخش صورت می گرفت هم چنین بررسی و مقایسه دو قلوها نیز در همان بخش انجام می شد.



در سال ۱۹۶۲ از طرف سازمان بهداشت جهانی برای تکمیل دوران ژنتیک به دانمارک رفتم و در مدت سه ماهه آن استفاده فراوان از آن دوران بردم. در سال ۱۹۶۴ نیز از طرف WHO برای گذراندن دوره ی یک ماهه عازم امریکا شدم در سال ۱۳۳۶ از طرف سازمان بهداشت جهانی به عنوان کارشناس ژنتیک شناخته شدم.

**فعالیت های پژوهشی و سمت های اجرایی**  
مقالات بنده در کلیه ی مجلات آن زمان (سخن پزشکی، مجله ی کودکان، زنان، نظام پزشکی و دانش پزشکی) ملاحظه می شود در جمله سمینارها و کنگره های داخلی و خارجی شرکت و در مورد امراض ارثی سخنرانی می کردم در سال ۱۳۴۱ اجازه ی نشر یک مجله به نام دانش پزشکی را با همکاری دکتر جواد هیئت کسب کرده و مدت ۵ سال آن را منتشر کردیم. در بیشتر موارد سخنرانی های هفتگی بیمارستان هزار تختخوابی، بیماران جالب ارثی مانند سندرم داون، مارفان، لورانس مون بیدل، نشانگان پوتس جگر، پولیپ های روده و غیره، معرفی می کردم.

راهنمایی رساله های متعددی را در مورد بیماری هایی ارثی کودکان و عفونی به عهده داشتیم. هر کدام از فارغ التحصیلان که برای خداحافظی و ادامه تحصیل به خارج از کشور سفر می کرد، سفارش می کردم که در صورت تمایل رشته ی ژنتیک را برای تخصص انتخاب نمایند ولی جمله ی آنان رشته های پر درآمد مانند جراحی زیبایی، زنان، جراحی قلب و عروق، پوست و... را انتخاب می کردند.

دانشجویان زیادی حقیر را به نام آقای ژنتیک می نامیدند چون در آن زمان رشته ای به این نام در دانشگاه وجود نداشت.

در سال ۱۳۳۶ در کنگره ی بین المللی کودکان، دو بیمار مبتلا به نشانگان فریاد گربه را معرفی کردم.

در سال ۱۳۴۰ یک انجمن ژنتیک با شرکت کلیه ی کاردانان ژنتیک انسانی دامی و گیاهی تشکیل دادیم. بعد از آن هر سال دردنباله ی کنگره ی کودکان مدت ۲ روز سمینار ژنتیک تشکیل می شد که مباحث گوناگونی راجع به مسائل متعدد ژنتیک روز بحث می شد خوشبختانه دکتر کریمی نژاد استاد هیستولوژی که علاقه ای به ژنتیک داشتند در سال ۱۳۴۵ فعالیت خود را در بیمارستان زنان بخش خصوصی شروع کردند. به طوری که امروزه آزمایشگاه خصوصی ایشان از معتبرترین مراکز ژنتیک به شمار می رود در سال ۱۳۴۰ در بیمارستان هزار تختهخوابی به کمک دکتر نفیسی و دکتر خاوری بخش سیتوژنتیک راه اندازی شد. به خاطر دارم که مردی از طرف پزشکی قانونی به من معرفی شد که مرتکب قتل شده بود و وکیل وی ادعا کرده بود، وی به علت داشتن  $XXY$  اختیاری برای قتل نداشته و از مجازات معاف است. از این شخص در بخش دکتر نفیسی کاربوتایپ به عمل آمد و ملاحظه گردید که یک مرد سالم  $XY$  است و جواب آن به پزشکی قانونی تحویل شد. نامبرده قبلا به بنده مراجعه و حقیر را تطمیع کره بود که جواب مساعدی به پزشکی قانونی بدهم ولی از آن استنکاف کردم.

در سال ۱۳۴۹ به کمک دکتر خاوری و دکتر روزبهانی یک مرکز ژنتیک



را آغاز کرده بودیم و از کلیه ی نوزادان زایشگاه حمایت مادران که روزانه بیش از ۱۰۰ زایمان انجام می شد تست و آزمایشات لازم را از بابت دو بیماری یاد شده آغاز کرده بودیم.

همین طور اختلالات ژنتیکی سیتولوژی را بررسی می کردیم. در ضمن بهداری وقت مقدار زیادی شیر ویژه ی مبتلایان به فنیل کتونوری را در اختیار ما می گذارشت تا به کودکان مبتلا بدهیم. کودکان زیادی پیدا کردیم که از کند ذهنی و عقب ماندگی ذهنی نجات یافتند. متأسفانه شیر و مواد غذایی نیز قطع شد و مبتلایان وضع اسفباری پیدا کردند و به زحمت با هزینه ی شخصی که کمرشکن بود شیر تهیه می کردند. اکنون پرونده ی قریب به ۱۴۰ بیمار مبتلا در بخش تحقیقات وجود دارد که جالب توجه می باشند. مشاوره ی ژنتیک با مبتلاشدگان عوارض ارثی و دوقلوها در مرکز ما مجانی بود.

بعد بنده درخواست بازنشستگی کرده و از کار به کنار رفتم. اکنون دکتر آملی با حداقل امکانات بخش را اداره می کند. بنده پس از سه سال بازنشستگی توسط مرکز بهداشت استان توسط دکتر نقوی با همیاری کتر مظهري و دکتر خاوری دعوت شدیم که مرکز مشاوره ی ژنتیک و صدای مشاوره ی خانواده را از بابت مسائل ژنتیکی را اندازی کنیم. قرار بود یک آزمایشگاه ژنتیکی هم در مرکز یاد شده تأسیس شود. متأسفانه برکنار شدن دکتر نقوی منجر به تعطیلی مرکز مشاوره شد. بنده و همکاران به درمانگاه بهزیستی شرق تهران منتقل شدیم و مشاورات ژنتیکی را در آن جا تشکیل دادیم. خوشبختانه با تشریف فرمایی

و مشاورات خصوصی تشکیل داده و مراجعان را راهنمایی می کردیم. در ابتدای کار قریب ۱۰ سال، بیشتر مراجعه کنندگان ما یهودی ها بودند ولی بعد از آن، به علت منصرف شدن از ازدواج های فامیلی، موردی مشاهده نشد. در سال ۱۹۵۵ که مأموریت یافتیم یک مرکز تحقیقات ژنتیک در بیمارستان حمایت مادران (بیمارستان شهید اکبر آبادی کنونی) دایر نمایم با کمک دکتر خاوری و دکتر روزبهانی و دکتر یزدانی که اکنون در سوئد است و دکتر مظهري اقدام به جمع آوری افراد کاردان مناسب که پس از طی دوران های لازم از تخصص های بیوشیمیایی، بیولوژی و سیتولوژی انتخاب کردیم مشغول کار شدیم. در ضمن ۲۴ تن از افراد فوق دیپلم را به مدت یک سال دوران مشاورت و مسائل ژنتیک آموزش دادیم که به زایشگاه های وابسته ۸ گانه حمایت مادران رفته و بیماران مربوطه را به مرکز معرفی نمایند و از نظر غربالگری کمک کنند.

متأسفانه بعدها توجهی به مرکز تحقیقات ژنتیک که به زحمت فراهم شده بود نشده و ۲۷ تن از کارمندان ما را به بخش های دیگر منتقل کردند و دکتر روز بهانی و دکتر یزدانی نیز به خارج از کشور رفتند حقیر و دکتر آملی متخصص کودکان با یک منشی تنها باقی ماندیم ما در بخش ژنتیک غربالگری فنیل کتونوری و گالاکتوزمی

دکتر شفقتی هم به درمانگاه یاد شده رونق مشاوره بیشتر شد.

پس از دو سال اداره ی مشاورات در سال ۱۳۷۳، به دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی دعوت شدم که یک مرکز تحقیقات ژنتیکی در آن جا تشکیل بدهم و یک ساختمان بزرگی هم با وسایل مقدماتی جهت این کار در نظر گرفته شده بود. در ابتدای امر ۴ تن کارمندان این مرکز بودند که به سبب گرفتاری خانوادگی دو تن مرکز را ترک کردند. از همان ابتدا بنده مشاورات ژنتیکی را دایر کرده و سعی کردم در تکمیل وسایل لازم و جلب همکاران کاردان رونقی راکه در خور چنین مرکزی بود فراهم سازم ولی به سبب فقدان افراد کاردان و علاقه مند دو سال اول به جز مشاورات ژنتیکی و تدریس سه واحد ۳۲ ساعته مشاوره و پیشگیریهای ژنتیکی برای کارشناسی مددکاری، پرستاری و فیزیوتراپی، پیشرفت دیگری به سبب دشواری مالی انجام نگرفت.

خوشبختانه به سال ۱۳۷۵ دکتر نجم آبادی متخصص ژنتیک مولکولی از امریکا مراجعت کرده متمایل شدند با بخش مرکز تحقیقات ژنتیک همکاری نمایند. با کمال خوشحالی مورد استقبال قرار گرفته و مشغول کار شدند. کاردانی و پرکاری ایشان باعث شد که حقیر سرپرستی مرکز را مدتی بعد به ایشان واگذار کرده و خود مشاور و عضو هیئت علمی مرکز و دانشگاه باشم. بعد با دکتر شفقتی، خانم دکتر کهریزی، دکتر جوان، دکتر حاجی بیگی خانم دکتر نیشابوری، خانم دکتر کیهانی خانم دکتر حاتمی و خانم دکتر بهجتی به گروه ما پیوستند و مرکز تحقیقات رونق

کافی گرفت. امید است که با تکمیل وسایل لازم و استخدام یک آمارگر، کاردان اعصاب و روان، زنان ... کادر مرکز تکمیل گردد و رونق دلخواه حقیر را به دست آورد.

در هر حال این مرکز سومین مرکزی است که توسط حقیر ایجاد شده و با ورود دکتر نجم آبادی با ارائه ی کنگره ی معلولان ژنتیکی، سمینارها و ترتیب کنفرانس های سودمند و انجام آزمون های پیشرفته ی امروزی به حدی جلو برود که با مراکز ممالک پیشرفته نزدیک شود و بتواند مرجع کلیه ی نیازهای ژنتیکی خانواده های کشور عزیز ایران شود. با توجه به پیشرفت این مرکز آرزوی حقیر که برپایی یک مرکز بزرگ تحقیقات ژنتیکی بود جامه عمل می پوشد و به نظر نمی رسد که با وجود همکاران لایق یاد شده حوادث روزگار گزندگی بدان وارد سازد از همان ابتدای ورود به دانشگاه تهران آرزوی حقیر ایجاد یک چنین مرکز و برپایی آن بود که نه در کشور خودمان بلکه در خاورمیانه نیز سرآمد باشد که خوشبختانه امروزه با کمک همکاران هنرمند و دانش ساز امکان آن وجود دارد.

### تألیفات و جوایز

اصول بیماری های ارثی انسان در دو جلد، امراض کروموزومی و متابولیک یک جلد، دیابت و راهنمای بیماران دیابتی یک جلد، ژنتیک عمومی در دو جلد، بهبود نسل بشر در یک جلد، مشاوره ی ژنتیک با معیت دکتر خاوری و دکتر روزبهنای یک جلد، بیماری های عفونی دو جلد، مسائل گوناگون پزشکی در هفت جلد، رساله به زبان فرانسه راجع به کمبود ویتامین A در ایران،

سؤال های انترن های بیمارستان های تهران با یاری دکتر مژدهی در سه جلد، سؤال و جواب در طب داخلی یک جلد، نگارش بخش عفونی طب داخلی دکتر اردوبادی و همکاران دانشگاهی بخش ژنتیک خون شناسی دکتر پویا، ترجمه ی جراحی صغیر درسه جلد در دوران آخر تحصیلی، بیاری های عفونی کودکان و داخلی رشته ی کودکانی در دو جلد، بهداشت عمومی در دو جلد، مقاله به زبان انگلیسی در مجله *Gynecology and obstetric* با معیت دکتر کریمی نژاد، مقالات متعدد در تمامی مجلات پزشکی روز ایران، بیماری های شایع ارثی و مادرزادی یک جلد.

سال ۱۳۷۸ به سبب کوشش های بی دریغ در رشته ی پزشکی، از طرف وزیر بهداشت و آموزش پزشکی لوح تقدیر و مدال دریافت کردم. هم چنین در سال ۱۳۷۹ مورد عنایت شایسته دانشگاه و همکاران گرامی، با دریافت تشویق نامه و هدایای نفیس و نامگذاری یک تالار در مرکز به نام حقیر قرار گرفتم و تعداد ۵۳۳ جلد کتاب به کتاب خانه ی دانشگاه اهدا کرده ام.

\*\*\*\*\*

درگذشت این دانشمند فرهیخته را به مردم ایران و جامعه پزشکی و خانواده اش صمیمانه تسلیت گفته و برای او آرامش و رحمت الهی آرزو می کنیم.